

## شناسایی زمینه‌ها و عوامل مؤثر بر توسعه‌ی پایدار صنایع دستی

### چکیده:

صنایع دستی در هر دوره‌ای و متناسب با نیازهای جامعه دچار تغییر و تحول می‌شود و عوامل مختلفی نیز بر تغییر، رشد و یارکود این هنر - صنعت مؤثر است. شرایط کنونی و تحولات دنیای مدرن نیز ایجاب می‌کند زمینه‌های تأثیرگذار بر توسعه‌ی پایدار صنایع دستی مورد شناسایی و بررسی قرار گیرند. بر این اساس، پژوهش حاضر در صدد شناسایی و ارائه عوامل و زمینه‌های مؤثر در توسعه پایدار صنایع دستی است. پژوهش از منظر هدف توسعه‌ای و رویکرد آن کیفی و باروش تحلیل محتوا انجام شده است. بدین منظور، داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و از منابع اینترنتی جمع‌آوری شده است. در تجزیه و تحلیل داده‌ها که با هدف سنخ‌شناسی موضوعی انجام شد؛ با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی در چندین مرحله از جمله مدیریت و نظام‌مندی داده‌ها، پالایش و استخراج مفاهیم، طبقه‌بندی موضوعی و نهایتاً با تکیه بر استدلال منطقی

نوع مقاله: پژوهشی  
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۱  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۹  
**حسین نوروزی قره قشلاق**  
استادیار گروه آموزشی صنایع دستی،  
دانشکده هنر، دانشگاه اراک، اراک، ایران.  
Email: H-norouzi@araku.ac.ir  
**DOI: شناسه دیجیتال**  
10.22051/jtpva.2024.44962.1540

تشریح و شناخت هر یک از موضوعات انجام شد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ماهیت صنایع دستی همانند اعصار گذشته، در شرایط کنونی نیز متحول شده است. در دنیای مدرن عوامل و مؤلفه‌های مهمی از جمله «آموزش عالی»، «بازارهای نوین»، «روش‌های تولید»، «ترکیب صنایع دستی و طراحی» و همچنین «هم‌آفرینی» در توسعه‌ی پایدار صنایع دستی و برای پاسخگویی به نیازهای مختلف نقش بسزایی دارند. این عوامل اگرچه جداسازی شده‌اند اما از لحاظ عملکردی در یک مسیر بوده و ارتباط گسترده‌ای با یکدیگر دارند.

واژگان کلیدی: صنایع دستی، توسعه‌ی پایدار، اقتصاد، فرهنگ، فناوری.

## مقدمه

صنایع دستی بیانگر رابطه‌ی انسان با محیط و تجلی هویت، فرهنگ، مهارت و نگرش افراد یک منطقه در دوره‌های مختلف است. با نگاهی تاریخی به صنایع دستی در ادوار مختلف می‌توان پی برد که این مؤلفه متناسب با شرایط و نیازمندی‌ها در هر عصری تحول پذیر بوده است. به بیانی دیگر، صنایع دستی با حضور خود در زندگی افراد، به ضرورت‌های زیستی جوامع توجه داشته و به گونه‌ای از این طریق نیز خود را حفظ و سازگار کرده است. این هنر صنعت، در گذشته با به کارگیری مواد اولیه از محیط اطراف، ابتدا با هدف رفع نیاز و در ادامه، زمینه‌ای برای درآمدزایی بوده است. اما به نظر می‌رسد در شرایط کنونی، ماهیت صنایع دستی متحول شده و عوامل مختلفی در حضور و استمرار آن تأثیرگذار است. امروزه و در دنیای مدرن، سیاست‌های کلان جوامع، صنایع دستی را علاوه بر ویژگی‌های اقتصادی مؤثر آن، به عنوان یک پدیده‌ی خلاق فرهنگی، یک عامل مؤثر اجتماعی و همچنین یک مؤلفه‌ی مهم زیست محیطی قلمداد می‌کنند. همچنین، صنایع دستی به عنوان یک بخش بسیار مهم از فرهنگ و هویت بومی شناخته شده و نقش بسیار مهمی در توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی محلی، ملی و بین‌المللی دارد. امروزه این صنعت، نه تنها به عنوان یک منبع درآمد برای جوامع عمل نموده، بلکه به گونه‌ای به حفظ و گسترش میراث فرهنگی، ارتباطات فرهنگی و توسعه‌ی پایدار مناطق نیز کمک می‌کند. به باور دیلون، زمانی که سرمایه‌های فرهنگی و صنایع دستی محلی مورد توجه قرار گیرند، چشم‌انداز امیدوارکننده‌ای برای احیای اقتصادی آن منطقه شکل می‌گیرد (Dillon, 2008). در شرایط کنونی، صنعت‌گر صنایع دستی نیز بیش از هر چیز به جنبه‌های اقتصادی این آثار توجه دارد. اما در مقابل، صنعتی شدن و پیدایش مواد اولیه‌ی جدید در عصر نوین، به نوعی تقاضا برای صنایع دستی را به شدت کاهش داده است. در این شرایط، صنعتگران صنایع دستی به ناچار و برای رقابت با محصولات تولید انبوه، دست ساخته‌های خود را با ارزش کمتری به فروش می‌رسانند. به باور گرین‌هالک، این رخداد در طول زمان و در صورت عدم توجه به آن، موجب فراموشی بسیاری از این هنرها خواهد شد (Greenhalgh, 2003: 6).

موارد گفته شده نشان می‌دهد که صنایع دستی از جنبه‌های مختلف، دارای درجه‌ی بالایی از اهمیت است و

امروزه در در موقعیت ویژه‌ای برای توجه به امر تداوم و توسعه قرار دارد. به بیانی دیگر، صنایع دستی در شرایط کنونی نیاز به برخی اقدامات، تدوین اصول و معیارهایی برای سازگاری با شرایط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و محیط زیستی فعلی را دارد.

طبق شواهد گفته شده، عوامل فراوانی در توسعه‌ی پایدار صنایع دستی نقش دارند. بسیاری از این موارد ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند و عملاً پرداختن به هر یک به شکل مجزا راه‌کار مؤثری نخواهد بود. به طور حتم، در واکاوی و موشکافی عوامل مؤثر، زمینه‌های متنوعی قابل شناسایی هستند که تاکنون در مرکز توجه نبوده‌اند. به نظر می‌رسد ضرورت دارد با مطالعه عمیق، زمینه‌ها و عوامل مؤثر در توسعه‌ی پایدار و عملیاتی صنایع دستی در شرایط کنونی شناسایی شده و مبنایی برای تصمیم‌گیری و اقدام در عرصه‌های گوناگون باشد. از این رو پژوهش حاضر با بررسی و تحلیل منابع مختلف در صدد شناخت عوامل مذکور به شکلی ملموس، کاربردی و پرهیز از هرگونه زیاده‌گویی است. به بیانی دیگر، پژوهش حاضر در نظر دارد عوامل و زمینه‌هایی که در منابع و پژوهش‌های مختلف بر آنها تأکید شده است را بدون دخالت نظریات محدود کننده مورد شناسایی و تحلیل قرار دهد. در این راستا، سوال تحقیق نیز بدین شکل مطرح می‌گردد: عوامل تأثیرگذار بر توسعه‌ی پایدار صنایع دستی کدامند؟

## روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع مطالعات کیفی و از منظر هدف، جزء تحقیقات کاربردی-توسعه‌ای محسوب می‌شود که با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی به شناسایی متغیرهای اصلی و عوامل مؤثر بر توسعه‌ی پایدار صنایع دستی پرداخته است. به بیانی دیگر، در این پژوهش سعی بر شناسایی مفاهیم و موضوعات اساسی مرتبط با توسعه‌ی پایدار صنایع دستی از داده‌های معتبر علمی شده است. با استفاده از روش تحلیل محتوا می‌توان بر درک عمیق پدیده‌ی مورد مطالعه، جزئیات و درک زوایای پنهان موضوع تمرکز کرد. همچنین، این روش از انعطاف پذیری و کشش بیشتری در راستای شناخت موضوع برخوردار است و از این رو در این پژوهش انتخاب شده است. در این راستا و در گام اول، منابع پژوهشی معتبر در این زمینه از پایگاه‌های اینترنتی و با کلید واژه‌های مرتبط

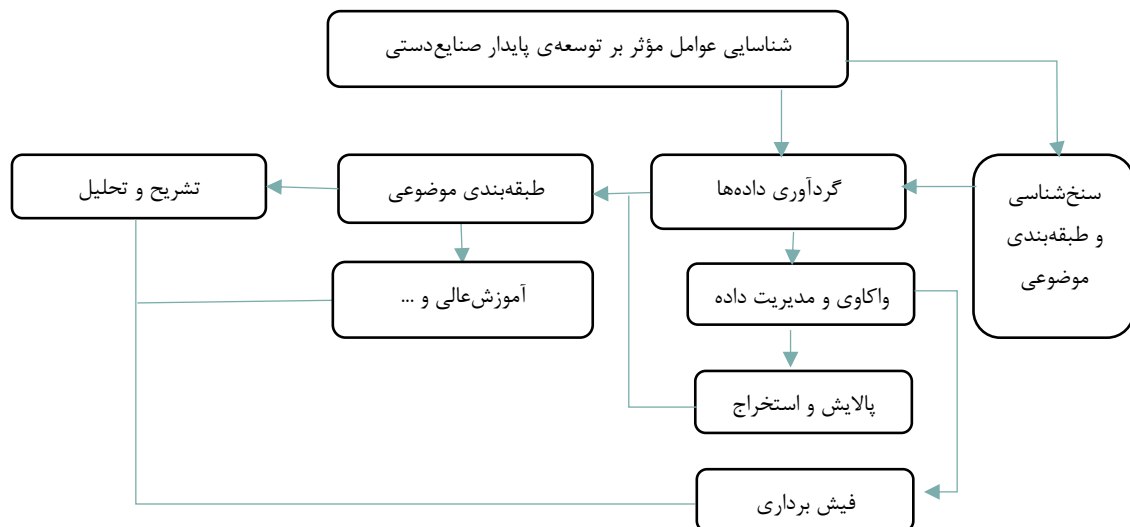
پذیرفته شده و توسعه را صرفاً در روش‌های ارائه و گسترش صنایع دستی در نظر گرفته‌اند. با وجود اهمیت نسبی این مسأله، به نظر می‌رسد این دیدگاه، تحولات بنیادین، ماهیت، ساختارها و روش‌های تولید صنایع دستی در شرایط کنونی و در مواجهه با عصر نوین را در نظر نگرفته است. به بیانی دیگر، به آسیب‌های اساسی صنایع دستی در راستای همگام سازی آن با تحولات نوین پرداخته نشده است. نمونه‌ای از این دیدگاه را می‌توان در پژوهش‌هایی همچون پژوهش‌های کاظم نژادی و آویشی (۱۴۰۰)، انصاری و کوپال (۱۴۰۱)، قره و یووری (۱۳۷۴)، ابریشمی، بیدارم، ماجد و بخشایش (۱۳۹۸)، فرنام، صادقی پور و ارسطو (۱۳۹۷) مشاهده کرد. حسین نیا و شجاع (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان نقش صنایع دستی در توسعه‌ی پایدار روستایی با تأکید بر دانش بومی بیان می‌کنند که دو مؤلفه‌ی «دانش بومی» و «دانش نوین» می‌تواند زمینه‌ای مساعد در توسعه‌ی پایدار روستایی فراهم کند. ترکیب دانش بومی و دانش نوین جزء مهم‌ترین راه‌کارهایی است که در این حوزه مطرح می‌شود. بهمنی (۱۳۸۷) نیز راهکار ارتقا و توسعه‌ی صنایع دستی را در ارتباط و تأثیرپذیری آن از طراحی صنعتی می‌داند. به گونه‌ای که هر دو حوزه بهره‌مند شوند. علاوه بر این، ریشه‌ی بسیاری از تحولات صنایع دستی در عرصه‌ی بین‌المللی را باید در شکل‌گیری جنبش‌ها و جریان‌ات هنری مؤثر و تحولساز دانست. از جمله این موارد می‌توان به «جنبش هنر و صنایع دستی» انگلستان در قرن ۱۹ میلادی، شکل‌گیری «مدرسه باهاوس»<sup>۲</sup> آلمان در قرن ۱۹ میلادی، جنبش «آرت

جمع‌آوری شد. سپس با هدف سنخ‌شناسی و طبقه‌بندی موضوعی، تحلیل محتوای کیفی داده‌ها در مراحل از جمله مدیریت و نظام‌مندی داده‌ها، پالایش و استخراج مفاهیم و طبقه‌بندی موضوعی صورت گرفت و نهایتاً با تکیه بر استدلال منطقی، سعی بر ژرف‌نگری، تشریح و شناخت هر یک از موضوعات شد. در طبقه‌بندی و تحلیل موضوعات، مفاهیمی مورد توجه بودند که در اکثر پژوهش‌ها بیشترین کاربرد و تکرار مضمونی را داشتند. علاوه بر این، در طبقه‌بندی موضوعی سعی شد هم‌سانی و مشابهت هر مقوله به حداکثر برسد و نهایتاً مضمون جامع با ترکیب دو یا چند مفهوم در آن حوزه بدست آمد. بر این اساس، یافته‌های پژوهش در موضوعاتی از جمله «آموزش عالی»، «بازارهای نوین»، «شیوه‌های تولید»، «ترکیب صنایع دستی و طراحی» و «هم‌آفرینی» طبقه‌بندی و تحلیل شدند.

### پیشینه پژوهش

مفهوم توسعه در پژوهش‌های حوزه‌ی صنایع دستی با کاربرد و معانی مختلف نمود یافته است. بسیاری از پژوهشگران مفهوم توسعه را در قبال رونق اقتصادی منطقه (روستا، شهر و استان)، فروش و بازاریابی، برگزاری و شرکت در نمایشگاه داخلی و خارجی، تشکیل اتحادیه‌ها و تعاونی‌ها، فرهنگ سازی در خرید و مسائلی از این قبیل بیان کرده‌اند. به نظر می‌رسد در این شکل از پژوهش‌ها، شرایط کنونی صنایع دستی، نحوه‌ی تولید، دانش موجود صنعت‌گران و به بیانی آنچه که در صنایع دستی کنونی وجود دارد،

نمودار: فرآیند تحقیق (نگارنده).



نوو»<sup>۲</sup> قرن ۱۹ و ۲۰ میلادی در اروپا و همچنین «جنبش صنایع دستی بومی ژاپن»<sup>۴</sup> در قرن ۲۰ میلادی اشاره کرد. در ایران نیز شکل‌گیری مدرسه صنایع مستظرفه رامی‌توان نقطه عطفی در تحولات صنایع دستی ایران در دوره‌ی معاصر دانست. مهم‌ترین رخداد علمی توسعه‌ی صنایع دستی در ایران را باید در برگزاری همایش «راهکارهای توسعه‌ی صنایع دستی ایران» در سال ۱۳۸۷ دانست. تعدادی از مقالات در این همایش همانند مباحث گذشته به بحث بازاریابی و فروش و تجارت الکترونیک در مناطق مختلف ایران و بسیاری نیز به مباحث تاریخی و فرهنگی صنایع دستی پرداخته‌اند. برخی نیز توسعه را در مفاهیم زیربنایی و ساختاری صنایع دستی در مناطق مختلف رصد نموده و به گونه‌ای آسیب‌شناسی از صنایع دستی یک منطقه ارائه کرده‌اند. به عنوان مثال، کفیلی (۱۳۸۷) به آسیب‌شناسی هنرهای سنتی و با تأکید بر سفالگری آذربایجان پرداخته است. با توجه به مطالعات میدانی انجام شده کفیلی اذعان دارد، دسترسی به ماده اولیه‌ی کائولن در آذربایجان، می‌تواند نقطه عطفی در توسعه‌ی سفالگری این منطقه باشد. با توجه به بررسی پیشینه، به نظر می‌رسد مفهوم توسعه در صنایع دستی را باید در ساختارهای بنیادین این هنر-صنعت رصد کرد. بر این اساس، پژوهش حاضر فارغ از بیان مسائل و مواردی که گفته شد، سعی نموده است عوامل و زمینه‌های بنیادی مؤثر در توسعه‌ی پایدار صنایع دستی را مورد بررسی و شناخت قرار دهد.

### یافته‌های پژوهش

توسعه‌ی پایدار که در دهه‌های اخیر به عنوان یک هدف برجسته در جوامع جهانی در نظر گرفته شده است؛ بر سه مؤلفه‌ی اصلی اقتصاد، محیط زیست و اجتماع استوار است. به منظور رسیدن به توسعه‌ی پایدار، لازم است که عوامل اقتصادی، محیط زیستی و اجتماعی به طور همزمان و هماهنگ مدنظر قرار بگیرند. در یافته‌های پژوهش حاضر نیز این سه عامل کلان در بخش‌های مختلف به خوبی قابل مشاهده است. مؤلفه‌های «آموزش عالی» و «هم‌آفرینی» بیشتر به حضور دانش‌آموختگان این رشته در اجتماع و در درجات مختلفی از همکاری‌های این افراد با سایر متخصصین و همچنین شناخت اجتماع و به طور کلی دیدگاه‌های اجتماعی در توسعه‌ی پایدار صنایع دستی اشاره دارد. همچنین، آنچه که در مؤلفه‌های «بازار نوین» و «ترکیب

صنایع دستی و طراحی» بیان شده به عامل اقتصادی در توسعه‌ی پایدار صنایع دستی اشاره دارد و به گونه‌ای زمینه‌های گسترش اقتصادی و همچنین اجتماعی صنایع دستی را پوشش می‌دهد. علاوه بر این، مؤلفه‌ی «روش‌های تولید» نیز ارتباط مستقیمی با مباحث زیست محیطی در صنایع دستی دارد. بر این اساس، آنچه که در ادامه آورده خواهد شد به صورت ضمنی مؤلفه‌های اصلی توسعه‌ی پایدار را پوشش می‌دهد که سعی شده است به گونه‌ای کاربردی و ملموس در حوزه‌ی صنایع دستی ارائه شود. بر این اساس، زمینه‌ها و عوامل توسعه‌ی پایدار صنایع دستی در پنج مؤلفه‌ی «آموزش عالی»، «بازارهای نوین»، «شیوه‌های تولید»، «ترکیب صنایع دستی و طراحی» و «هم‌آفرینی» طبقه‌بندی و تحلیل شده‌اند که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

### آموزش عالی

یکی از مهم‌ترین اقداماتی که در بسیاری از کشورها برای احیاء و توسعه‌ی صنایع دستی رقم خورده است، حضور مؤثر آموزش عالی و ارائه‌ی راهکارهای علمی در توسعه‌ی صنایع دستی است. به طور کلی، آنچه در آموزش بیان می‌شود و آنچه محصول آموزش است به طور مستقیم در جامعه‌ی وسیع صنایع دستی مؤثر است. بدین معنا که نحوه‌ی آموزش هنرجویان و توانایی‌های آنها که دستاورد آموزش‌ها است، نقطه عطفی در آینده‌ی هنرهای بومی خواهد بود. از نظر بودکف و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۱۶) تحولات فعال جامعه‌ی نوین باعث ایجاد تغییر در آموزش حرفه‌ای در زمینه‌ی هنر و صنایع دستی می‌شود. شکل‌گیری اجتماع در دنیای نوین و هماهنگی آن با محیط، خواسته‌های جدیدی را بر کیفیت آموزش هنرآموزان و طراحان آینده ایجاد می‌کند. در این شرایط، مهم‌ترین وظیفه‌ی دستگاه آموزش هنر تبدیل شدن به یک آموزش کاملاً حرفه‌ای در زمینه‌ی رشته‌ی تخصصی، با تمامیت جهانی و توانایی حل مشکلات اجتماعی با درک کردن انسان در محیط فرهنگی خود و فرهنگ‌های مختلف است. آموزش یکپارچه‌ی هنرجویان و ارتباطات درون گروهی آنها فرآیند یادگیری را تغییر داده و آن را بیش از پیش مؤثر می‌کند. شکل‌گیری صلاحیت حرفه‌ای این افراد باید مبتنی بر آگاهی از قوانین کار در هنر و صنایع دستی جهانی، ملی و منطقه‌ای، ادراک هنری پیشرفته و ایجاد مهارت‌های عملی در برنامه‌ریزی تولیدات دارای

جدول ۱: صلاحیت های حرفه ای مورد نیاز در آموزش عالی صنایع دستی (Lindroos & Ketonen, 2013: 11-17).

صلاحیت حرفه ای	زمینه
<ul style="list-style-type: none"> <li>- استفاده از سنت و فرهنگ صنایع دستی در طراحی، تولید و بازاریابی محصولات.</li> <li>- لحاظ کردن ویژگی های زیبایی شناختی در توسعه ی محصول و فعالیت ها، از جمله نمایش اثر، بسته بندی و بازاریابی.</li> <li>- درک اهمیت تصویر ذهنی و کیفیت آن در ایجاد تصویر مناسب از کسب و کار و جذابیت محصول.</li> </ul>	سنت، فرهنگ و زیبایی شناسی
<ul style="list-style-type: none"> <li>- جستجوی اطلاعات در رشته ی تخصصی، ارزیابی و استفاده آن بر اساس الزامات.</li> <li>- استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در بخش های مختلف برنامه ریزی، طراحی و تولید.</li> </ul>	فراگیری و استفاده از اطلاعات
<ul style="list-style-type: none"> <li>- دانستن گام های فرآیند توسعه ی محصول.</li> <li>- طراحی و توسعه ی محصولات مشتری مدار و ایمن.</li> <li>- نظارت بر تحولات در حوزه ی کاری و انتخاب یک روش طراحی مناسب برای محصول.</li> <li>- تولید و تسلط بر نقشه های کاری، تصاویر، الگوها و نمونه های اولیه ی مورد نیاز برای محصول.</li> <li>- ارائه ی طراحی برنامه ریزی شده به مشتریان و اعضای جامعه.</li> <li>- نظارت بر روندها و اعمال معیارهای زیبایی شناسی در طراحی.</li> <li>- تهیه و استفاده از ابزار، مواد و سایر تجهیزات مورد نیاز برای کار.</li> </ul>	طراحی و توسعه ی محصول
<ul style="list-style-type: none"> <li>- توجه به تأثیرات بر طبیعت و محیط زیست، هنگام تهیه ی مواد و الزامات کار.</li> <li>- استفاده از منابع طبیعی به طور مناسب و اقتصادی در کار.</li> <li>- شناخت قوانین و مقررات حمایت از مصرف کننده و مفاهیم اصلی آن؛ مصرف کننده، کسب و کار و کالاهای مصرفی.</li> <li>- ارزیابی نیازهای مشتری از لحاظ عملکرد، اقتصاد و زیبایی شناسی در ساخت و اتمام محصول.</li> </ul>	محیط زیست و مشتری مداری
<ul style="list-style-type: none"> <li>- شناخت مقررات ایمنی شغلی مربوط به زمینه ی تخصصی و عمل بر اساس آنها.</li> <li>- درک اهمیت ارگونومی و روش های مقابله با خطرات در کار (مثلاً موقعیت های صحیح کار و روشنایی).</li> <li>- استفاده از ماشین آلات، لوازم و روش های ایمن در تولید.</li> </ul>	ایمنی و ارگونومی شغلی
<ul style="list-style-type: none"> <li>- درک اهمیت نظام های ارزیابی کیفیت که برای فعالیت و توسعه ضروری است.</li> <li>- آگاهی از وضعیت رقابتی محصولات خود با توجه به عرضه ی محصولات محلی، منطقه ای یا ملی.</li> <li>- ارزیابی قیمت محصول، با توجه به هزینه های ثابت و متغیر، نیازهای مشتری، کیفیت اثر، محیط زیست و مقررات مالیات بر ارزش افزوده.</li> <li>- انتخاب شبکه های بازاریابی و روش های فروش مناسب برای محصولات و خدمات.</li> <li>- تهیه ی دستورالعمل های استفاده و مراقبت از محصول.</li> <li>- توصیف فرصت ها و تهدیدات آینده ی رشته و کسب و کار.</li> <li>- ارزیابی سودآوری فعالیت و توان درآمد آن رشته.</li> <li>- انتخاب گروه های هدف مناسب.</li> <li>- ایجاد بروشورها و سایر مواد بازاریابی با همکاری متخصصان و با استفاده از زبان مورد نیاز بازار.</li> <li>- اعمال جهت گیری مشتری در فعالیت خود.</li> </ul>	سنجش کیفیت، قیمت گذاری و بازاریابی

ادامه، بخشی از صلاحیت حرفه ای در آموزش عالی این رشته بیان شده است که به کارگیری آنها نقش مؤثری در ترویج و توسعه ی پایدار صنایع دستی خواهد داشت. ارتباط دانشگاه با جامعه، صنعت و عرصه ی تولید از مسائل مهم آموزش عالی محسوب می شود. انتظاراتی که از آموزش عالی وجود دارد این است که بتواند افرادی را پرورش دهد که به بستر بزرگی از تولیدات صنایع دستی کشور یاری برساند. باید گفت که این رویکرد در آموزش های رسمی در ایران کمتر مورد توجه بوده، در صورتی که یکی از روش های مورد توجه در دستگاه های آموزشی صنایع دستی در دنیا است. بسیاری از تولیدکنندگان صنایع دستی در کشور، افرادی هستند که از طریق آموزش های سنتی به کسب مهارت و تولید پرداخته اند. طبق اظهارات صنعت گران (۱۳۹۶)، در شرایط کنونی، صنایع دستی به افرادی نیاز دارد که از دانش روز در این حوزه برخوردار بوده و مشکلات تولید (از جنبه ی فنی و هنری) را شناسایی و راه کاری در جهت برطرف ساختن آن ارائه دهند (نوروزی قره قشلاق، زکریایی کرمانی و

ماهیت واقعی باشد (Budkeev et al, 2016, 3395). در طی دهه ی گذشته در بسیاری از کشورها، مؤسسات آموزش عالی با ظرفیت خود در پرورش متخصص علمی سبب ایجاد محرک های نوآوری و تنوع در عمل حرفه ای در صنایع دستی شده اند. فعالیت و پژوهش های گروهی دانشگاهی که مبتنی بر عمل هستند؛ منبع مهمی از نوآوری در صنایع دستی به حساب می آیند. کاربرد مهارت و دانش فنی و نظری برای دستیابی به پیشرفت در ارائه ی خدمات جدید با قدرت و تمرکز مورد نیاز برای هدایت حرفه ای شاغلین حوزه ی صنایع دستی از آموزش عالی نشأت می گیرد (Burns et al, 2012: 2). بنابراین صلاحیت و شایستگی های حرفه ای دانشجویان این رشته فراتر از آنچه است که امروزه در آموزش عالی ایران بدان پرداخته می شود. آنچه که در عمل حرفه ای این رشته مورد نیاز است، حیطه ی وسیعی از دانش، مهارت و نگرش را شامل می شود که در برنامه ی درسی این رشته مورد توجه واقع نشده است (نوروزی قره قشلاق، زکریایی کرمانی و نصرافهانی، ۱۴۰۰: ۴۰). در

ساختن اشیاء با دست، نقش قابل توجهی در تحقیقات مبتنی بر عمل، در کشورهای توسعه یافته‌ی اروپایی ایفا کرده است. بیشتر برنامه‌های تحقیقاتی مبتنی بر عمل، به ویژه در دوره‌ی دکتری، بر موضوعاتی متمرکز شده‌اند که از تولید خلاقانه شیوه‌های صنایع دستی، مانند سرامیک، جواهرات، و منسوجات و در پیوند با سایر علوم ناشی می‌شوند (Nimkulrat 2012: 3). این در حالی است که در آموزش عالی این رشته در ایران، چنین رویکردی وجود ندارد و صرفاً در برخی پژوهش‌های تحصیلات تکمیلی صنایع دستی، به نقش آفرینی از هنر یک دوره‌ی تاریخی با تغییر اندکی از شکل‌ها و الگوها اقدام می‌شود. امری که نگاه علمی و چالش برانگیز ناشی از یک خلأ را با بیان علل، توجیه و راهکار علمی و هدفمند مدنظر قرار نداده است (نوروزی قره‌قشلاق، زکریایی کرمانی و نصراصفهانی، ۱۴۰۱: ۱۶۷).

#### بازارهای نوین

همچنان که امروزه تولید و مصرف در حال گسترش است، عرصه‌ی تجارت به سمت یک «اقتصاد نمادین» حرکت نموده که به طیف وسیعی از مصرف‌کنندگان در گروه‌ها و سبک‌های زندگی متنوع و به طور نمادین خدمات می‌دهد (آجیلی و بیگی، ۱۳۹۲). در این نگاه، مصرف‌کنندگان به عنوان گروه‌های متنوعی در نظر گرفته می‌شوند که اهداف متفاوتی را دنبال می‌کنند. طیفی از آنها به دنبال محصولات متمایز و با کیفیت بالاتر هستند. بر این اساس، تقاضای اینگونه از مصرف‌کنندگان، از سمت محصولاتی که صرفاً بر اساس مؤلفه‌ی قیمت و در دسترس بودن با یکدیگر رقابت می‌کنند به سمت محصولاتی که از طریق فردیت، ارزش طراحی و جذابیت زیبایی شناختی با یکدیگر رقابت می‌کنند تغییر یافته است. این تغییر رویکرد، سامانه‌ی تولید را به سمت تمرکز بر دسته‌های کوچک‌تری از محصولات با کیفیت بالا هدایت می‌کند که بازارهای خاص را هدف قرار می‌دهند که از جمله‌ی آن صنایع دستی است (Creative and Cultural Skills, McIntyre, 2010; 2009). تقاضاهای رو به افزایش در چنین بازارهایی، فرصت‌ها را برای شرکت‌هایی در مقیاس کوچک برای رشد و توسعه تقویت می‌کند. این الگو از تنوع مصرف، در فرصت‌های اقتصادی صنایع دستی نیز در حال ظهور است. در این الگو، ضعف‌های اقتصادی سنتی صنایع دستی به نقاط قوت آن تبدیل می‌شوند (Campbell, 2005: 25). ماهیت صنایع دستی که بیان‌گر نوعی تمایز با سایر محصولات

نصراصفهانی، ۱۴۰۱: ۱۶۷). انگلند (۲۰۱۸) نیز این مسئله را مورد توجه قرار داده و اذعان می‌دارد که، توسعه‌ی شبکه‌های ارتباطی و مشارکت در صنعت از طریق برنامه‌های مشترک در بیرون از دانشگاه علاوه بر توسعه‌ی صنعت، سبب تقویت درک دانشجویی و توسعه‌ی مهارت‌های حرفه‌ای برجسته می‌شود. بر این اساس لازم است ارتباط میان دانشگاه و جامعه بیش از پیش تقویت یابد (England, 2018: 3). این امر به اندازه‌های اهمیت دارد که کشور هند رویکرد اصلی آموزش صنایع دستی را مبتنی بر توسعه‌ی هنرهای سنتی از طریق ارتباط با جامعه‌ی تولیدکننده سنتی می‌داند. هدف آموزش دانشگاهی هند تغییر در صنایع دستی بومی با رویکردی علمی و هدفمند و در راستای حفظ جنبه‌های فرهنگی و بومی محصولات و ارج نهادن به آنها است. به طور کلی، آموزش عالی صنایع دستی هند با هدف «ارتباط گسترده با جامعه‌ی تولیدکننده سنتی» در صدد کشف ظرفیت واقعی صنایع دستی در محصولات نوآورانه و همچنین توانمندسازی جامعه‌ی تولیدکننده است. برای دستیابی به این اهداف، گروه‌های دانشجویان و استادان به طور پیوسته خارج از کلاس و در مراکز تولید سنتی حضور دارند و مراحل همکاری، یادگیری و ایده‌پردازی را توسعه می‌دهند. با خلق ایده‌هایی منتج از این همکاری، صنعت‌گر نیز فرآیند بهینه‌ای از طرح و مواد را در هنر خود به کار برده و سبب توسعه‌ی محصول می‌شود (Mehta & Katiyar, 2007)؛ به نقل از نوروزی قره‌قشلاق، زکریایی کرمانی و نصراصفهانی، ۱۴۰۰: ۳۸). فعالیت‌های این چنینی می‌توانند تجربیات مناسبی را در تمرین روش‌های حل مسئله، مدیریت، تصمیم‌گیری، مشارکت جویی، پژوهش، تفکر انتقادی و نیز تفکر خلاق در دانشجویان این رشته تقویت کند (کریمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰). این در حالی است که چنین رویکردی در آموزش عالی صنایع دستی ایران وجود ندارد و ضرورت توجه هرچه بیشتر را می‌رساند.

یکی دیگر از مسائل مرتبط با آموزش عالی صنایع دستی، شیوه و فرآیند پژوهش‌های دانشگاهی این رشته است. همان طور که اشاره شد، امروزه پژوهش‌های مبتنی بر عمل، منبع مهمی از نوآوری در صنایع دستی محسوب می‌شوند (Burns et al, 2012: 2). از دهه‌ی ۱۹۹۰، رشته‌های هنر، صنایع دستی، معماری به طور فزاینده‌ای با روش‌های تحقیقات دانشگاهی تلفیق شده‌اند. بیش از دودهمه است که صنایع دستی به عنوان وسیله‌ای برای تفکر، از طریق

تحسین می‌شود (Ratnam, 2011, 97-102). شیوه‌های تولید صنایع دستی در زمان‌های مختلف ایستا نبوده و امروزه نیز قادر به تکامل، دگرگونی و انطباق با شرایط کنونی جامعه نوین است. این نادرست است که گمان شود صنایع دستی در گذشته منجمد مانده است. در طول تاریخ، صنعت‌گران همیشه می‌دانستند که چگونه تکامل یابند و از فرصت‌هایی که جامعه در مسیرشان قرار داده برای افزایش خلاقیت و تجدید حیات هنر خود استفاده کنند. به عنوان مثال در تاریخ صنایع دستی غرب، در قرن دوازدهم میلادی کاربرد موادی مانند عاج گسترش می‌یابد، سپس در قرن هجدهم و با توسعه علم و دانش، کاتولن کاربرد گسترده‌ای را در هنر-صنعت پیدا نموده و به تناسب این روند، در قرن بیستم نیز انواع سنگ‌های مصنوعی<sup>۸</sup> در کارهای صنعتگران نفوذ می‌کند. در ادامه، مواد صنعتی دیگری از جمله پلی‌استر<sup>۹</sup>، رزین<sup>۱۰</sup> و غیره با اشکال پیچیده‌تر به کار گرفته شد و همچنین فرآیندها و واژگان جدیدی نیز در این هنر-صنعت شکل گرفت. این تحولی منطقی است که همچنان نقش صنعتگر در آن واضح و آشکار است (URL 1).

به کارگیری امکانات صنعتی و فناوری نوین با اصول و قواعد مشخص، ممکن است فرصت‌هایی را برای شاغلین صنایع دستی فراهم کند تا اشیاء منحصر به فردی را خلق نموده و در عین حال بتوانند مقادیر کافی محصول را برای دستیابی به مدل‌های عملی پایدار تولید کنند. به بیان فعالان صنایع دستی، یک اتحاد مثبت فزاینده میان صنایع دستی و فناوری وجود دارد. روش‌های مدرن تولید مانند ریخته‌گری، برش لیزری و نمونه‌سازی سریع در تلاش برای سازگاری با فرآیندهای صنایع دستی و ارائه‌ی روش‌های جدید توسعه و اصلاح کارهای مجموعه‌ای بیشتر از یک یا کوچک هستند (Harris, 2012: 93-95). نمونه‌ای از این آثار را می‌توان در کارهای فلزی ریدلباخ<sup>۱۱</sup> مشاهده کرد که بر ادغام فناوری‌های دیجیتال با فرآیندهای هنری سنتی و صنایع دستی تمرکز کرده است (تصویر ۱ و ۲). به طور کلی، در حال حاضر صنعتگران به دنبال راه‌های جدیدی برای توسعه‌ی کار خود هستند تا بتوانند در خط مقدم رشته‌ی خود باقی مانده و با پیشرفت‌های فناوری جدید و سفارش‌سازی انبوه رقابت کنند و یا از این ویژگی موجود، به نحوی بهره ببرند (Niederer, 2009: 171). انعطاف‌پذیری و مقرون به صرفه بودن فناوری‌های تولید در راستای حساسیت‌های صنایع دستی، می‌تواند راه‌های مناسب و مقرون به صرفه‌ای را برای تولید

است، می‌تواند جایگاه منحصر به فردی را در عرصه‌ی رقابت بدست آورد. این ویژگی، در میان محصولاتی که به طور فزاینده همگرا هستند، با تولید و عرضه‌ی محصولاتی که هویت ملی و محلی را منعکس و ارزش فرهنگی را برجسته نموده، نوعی تمایز ایجاد می‌کند. (McIntyre, 2010). همان طور که بیان شد، مصرف‌کننده در پی ارزش‌هایی از جمله نوع و کیفیت مواد، مؤلفه‌های مفهومی و زیبایی‌شناختی و غیره است که در تولیدات صنایع دستی یافت می‌شود. کیفیت مواد و ویژگی‌های حسی صنایع دستی در بازار نوین مورد استقبال قرار گرفته است و این ویژگی می‌تواند در بازارهای فراوان امروزی جذاب باشد (Campbell, 2005). بازار نوین، تغییر کاربری صنایع دستی را در زمینه‌های گسترده‌تر به خوبی پذیرا است. ارائه‌ی صنایع دستی به اشکال و در زمینه‌های گوناگون، اقدام مهمی برای ورود به عرصه‌ی تجارت جدید است. در حال حاضر، صنایع دستی سنتی برای خلق محصولاتی تزئینی، در محدوده‌ی وسیعی، از لوازم جانبی صنعت مد گرفته تا چیدمان داخلی، حضور در برخی محصولات صنعتی، زیباسازی محیطی و همچنین سایر دست‌هبندیهای محصولات سازگار شده است. این نشان از ظرفیت بالای صنایع دستی در سازگاری خود با شرایط جدید است. این شواهد نشان می‌دهد که صنایع دستی می‌تواند در بازتعریف و شکل‌دهی یک الگوی اقتصادی جدید نقش مؤثر داشته باشد. بر این اساس، لازم است صنایع دستی همگام با شکل‌گیری بازارهای نوین و عرصه‌های جدید تجارت، خود را با شرایط جدید سازگار نموده و متناسب با نیاز مصرف‌کنندگان و تحولات اقتصادی تغییر کند (Zheng & Nitsche, 2017).

### شیوه‌های تولید

همانطور که بیان شد، بازارهای نوظهور صنایع دستی نشان می‌دهد که ظرفیت صنایع دستی بومی در دنیای نوین به عنوان یک شغل درآمدزا امیدوارکننده است. با این حال، مسیر طولانی در پیش است تا امروزه صنعتگری به یک گزینه‌ی شغلی مناسب تبدیل شده و در این راستا باید به مسائل بسیاری در این حوزه توجه شود. در این خصوص راتنام (۲۰۱۱) بر شناخت شیوه‌های تولید چندگانه، نوین‌سازی صنعتگران و همچنین بر ترکیب خطوط میان صنایع دستی و طراحی تأکید می‌کند. با توجه به وجود حالت‌های مختلف تولید، راتنام یک دستگاه تولید ترکیبی<sup>۱۲</sup> را پیشنهاد می‌کند که در آن مهارت و حس انسان و همچنین کارایی ماشین‌ها



تصویر ۱ و ۲- ظروف نوین با عنوان موج ۱. پس از اینکه دستگاه CNC الگویی را که صنعتگر طراحی کرده در ورق مسطح کامپوزیت آلومینیومی برش داد؛ صنعتگر به صورت دستی آن را به شکل سه بعدی در می‌آورد. عملیات انجام شده آن را از شیئی صنعتی به صورت اثر دست ساز تبدیل می‌کند (URL7).

مورد استقبال قرار گرفته و به عنوان یک راهبرد ارزشمند برای توسعه محصولات و افزایش رقابت‌پذیری در نظر گرفته شده است (Yair, Press, & Tomes, 2001). ادغام کیفیت حسی کالاهای دست‌ساز صنایع دستی با دستگاه‌های تولید معاصر می‌تواند هویت منحصر به فردی از محصول را با هدف فروش در بازار نوین (ارجاع به مبحث قبلی دارد) ارائه دهد. نمونه‌ای از این مفهوم در عمل را می‌توان در مجموعه لوازم خانگی IKEA مشاهده کرد که نتایج حاصل از آن در طراحی و تولید آثار جدید برگرفته از صنایع دستی بومی دیده می‌شود. این مورد، نمونه‌ای از فرآیندهای تولید سودآور را ارائه می‌دهد که حاصل مبادلات میان صنایع دستی و فناوری است. از طرفی، رابطه‌ی ترکیبی میان تولید صنایع دستی و فناوری را می‌توان از منظر بارورسازی متقابل<sup>۱۳</sup> - در راستای تکامل دستگاه‌های تولید- بررسی کرد (Cusumano, 1992: 453). به عنوان مثال، شرکت ایسوس<sup>۱۴</sup> بامبو را به عنوان یک ماده‌ی پایدار در محصولات الکترونیکی خود به کار برده است. این رخداد نه تنها حضور صنایع دستی را در بازار افزایش می‌دهد، بلکه به کیفیت و جنبه‌های طبیعی محصولات مصرفی الکترونیکی نیز ارزش می‌بخشد (URL6). گرین‌هالگ استدلال می‌کند، صنعتگرانی که با شرکت‌ها همکاری دارند نشان‌دهنده‌ی قلمرو جدیدی از صنایع دستی و چشم‌انداز امیدوارکننده‌ی آن برای تزریق به زندگی روزمره است. به طور کلی، این تغییر در دستگاه‌های تولید، توسعه‌ی بالقوه‌ی شیوه‌های جدید صنایع دستی و فرصت‌های شغلی جدید را برای صنعتگران نشان می‌دهد



تصویر ۳- نمونه‌ای از طرح‌های ایزم که در حال حاضر شرکت‌هایی با کسب مجوز تولید انبوه می‌کنند. اثر حاضر با نگاهی تزئینی و کاربردی ساخته شده و قابلیت استفاده به عنوان محل نشستن، میز و همچنین به عنوان اثری صرفاً تزئینی را داشته و از لحاظ ظاهری به هنر کلاسیک اشاره دارد. ساخته شده با چوب گردو و با استفاده از دستگاه‌های صنعتی (URL9).

محصولات در اختیار صنعتگران حوزه‌ی صنایع دستی قرار دهد. در نتیجه، حالت‌های متعدد تولید را با حفظ کیفیت‌های زیبایی‌شناختی و حسی خاص امکان‌پذیر می‌سازد. این رویکرد، به صنعتگران سنتی صنایع دستی، ترکیب طیف وسیعی از روش‌های تولید و دانش فنی تولید را در کنار مهارت‌های صنایع دستی که از قبل دارند، ارائه می‌دهد. این تفکر، به نوبه‌ی خود، به آنها کمک می‌کند تا در طیف گسترده‌های از خلاقیت و قلمروهای کارآفرینی فعالیت کنند (Woolley, 2011). همانطور که بیان شد، این فرآیند یک دستگاه تولید ترکیبی است که مهارت و حس انسان و ماشین‌ها نقش‌آفرینی مشترکی را دارند. نمونه‌ای از این تولیدات را می‌توان در آثار چارلز و ری ایزمز<sup>۱۵</sup> مشاهده کرد. طرح‌های مبلمان آنها نوین و انسان‌گرایانه است، که ویژگی‌های آن هم اعتبار پیش از صنعتی شدن، شخصی و دست‌ساز بودن و همچنین مؤلفه‌های صنعتی، یک شکل بودن و تولید انبوه را تایید می‌کند (URL2) (تصویر ۳). امروزه پیوند زدن صنایع دستی و صنعت توسط تولیدکنندگان این حوزه



تصویر ۴- ساخت‌گلدان‌های سنتی با استفاده از فناوری Z Corporation (URL3).





تصویر ۵ و ۶- ساخت طرح و شکل بشقاب‌های سنتی با استفاده از فناوری (URL4).



تصویر ۷- شیء تزئینی ساخته شده از الیاف با استفاده از فناوری پیشرفته. این شیء با پیچاندن الیاف با فناوری بالا به یکدیگر ساخته شده است. روشی که اکنون در طراحی محصول مرسوم است (URL5).



تصویر ۸- گلدان ساخته شده از پلی‌آرتان. جنس این گلدان نرم و انعطاف پذیر است. هدف طراح ارائه‌ی شکلی کهنه و قدیمی از گلدان است در حالی که مواد مصنوعی همیشه درخشان به نظر می‌رسند. وجود نشانه‌های ریخته‌گری، حس هنر دستی را القای کند (URL8).

که با استفاده از فناوری Z Corporation ساخته شده‌اند. در نمونه‌ای دیگر و در تصاویر ۵ و ۶ نقش یک بشقاب تاریخی بر روی چهار بشقاب شیشه‌ای منعکس شده است. هر یک از بشقاب‌ها به تنهایی نقش جداگانه‌ای دارد و از روی هم قرار گرفتن آنها نقش اصلی بازسازی می‌شود و علاوه بر این امکان

(Greenhalgh, 2003: 3). بر این اساس، حضور مؤثر فناوری نوین در تولید صنایع دستی که از آن با عنوان روش ترکیبی یاد شده است و همچنین پیوند زدن صنایع دستی با صنعت و محصولات صنعتی، موجب توسعه‌ی صنایع دستی و افزایش فرصت و اعتبار حضور آن در بازارهای نوین جهانی است.

### ترکیب صنایع دستی و طراحی

در دسترس بودن و استفاده از روش‌های تولید انعطاف‌پذیر و همچنین تغییرات در الگوهای مصرف و شکل‌گیری بازارهای نوین صنایع دستی نشان می‌دهد که صنایع دستی و طراحی<sup>۱۵</sup> زمینه‌ی تعاملات فزاینده‌ای دارند. همانطور که اشاره شد، امروزه این ارتباط در بسیاری از کشورها میسر شده و خطوط میان صنایع دستی و طراحی به گونه‌ای محو شده است. نمونه‌ای از این دستاوردها و چنین تلاش‌های مشترکی، در نمایشگاه «صنعت یک: طراح-سازندگان در انگلستان» دیده شده است که به شکلی عملی رویکرد ترکیبی طراحی و صنایع دستی را نشان می‌دهد. این گونه از رویدادها، مفهوم و الگوی جدیدی از فعالیت و تولید در عرصه‌ی صنایع دستی را با عنوان طراح-سازنده<sup>۱۶</sup> به وجود آورد. به باور مک‌گویریک، ظهور پدیده‌ی طراح-سازنده از ترکیب صنایع دستی و طراحی نشأت گرفته که به نوعی خاطره‌انگیزی عصر کنونی برای دوران ماقبل صنعتی است. این پدیده که مربوط به عصر فراصنعتی است، بر یک قالب پیچیده‌ی اجتماعی و بازار تکیه داشته و از فناوری‌های نوین تولید و راهبردهای تجاری انعطاف‌پذیر استفاده می‌کند (McGuirk, 2011). تأکید این قابلیت، بر حضور مؤثر و کارآمد فناوری نوین و خدمت به هنر بومی است. نمونه‌ای از این آثار را در تولیدات گروه «Droog» می‌توان مشاهده کرد. آثار تولیدی این گروه، تعامل میان صنایع دستی، طراحی و فناوری را نشان می‌دهد. تصویر ۴ طرح و شکل گلدان‌های سنتی اروپا را نشان می‌دهد

ایجاد سایر نقش‌ها نیز میسر است.

نمونه‌های دیگر از این آثار را در ساخته‌های جونگریوس<sup>۱۷</sup> طراح سازنده هلندی می‌توان مشاهده کرد (تصویر ۷ و ۸) که متخصص در استفاده از فرآیندهای صنعتی برای ساخت محصولاتی به شکل آثار دست‌ساز برای طیف گسترده از مخاطبان است. طرح‌های او نیز دیدگاهی مبتنی بر طراحی، صنایع دستی و فناوری را ارائه می‌دهد.

به طور کلی، حاصل این همکاری و تعامل، خلق محصولاتی اصیل و دارای ارزش ذاتی صنایع دستی و قابل تمایز در بازار جهانی است. این رویکرد توجه بسیاری از علاقه‌مندان به صنایع دستی را به خود جلب کرده و موجب سفارشات تجاری متعددی شده است که ظرفیت اقتصادی محصولات طراح-سازنده را نشان می‌دهد. این نوع عمل اگرچه تولیدات صنعتی را انکار نمی‌کند؛ در مقابل، فناوری‌های تولید را بر اساس زیبایی‌شناسی ترکیبی صنایع دستی و طراحی صنعتی به فعلیت می‌رساند.

به طور کلی، پدیده طراح-سازنده بر نقش و حضور مؤثر فناوری در ساخت آثاری برگرفته از صنایع دستی و سنت تأکید دارد. به بیانی دیگر، مؤلفه‌های کهن و سنتی و نقش و نگارها و شکل‌های صنایع دستی در ساخت و تولید آثاری به کار می‌روند که بخش گسترده‌ی آن با استفاده از تجهیزات و ابزارهای پیشرفته به انجام رسیده است. اگرچه همچنان در این دیدگاه، حضور، افکار و خلاقیت سازنده (صنعتگر) نفی نشده و نقش مهمی را ایفا می‌کند. با اینحال این دیدگاه، شکلی از تعامل میان فناوری و صنایع دستی را نشان می‌دهد که وجود آن برای پاسخ به برخی نیازها ضروری است. اما در عرصه‌ی تولید صنایع دستی، بسیاری از صنعتگران سنتی نیز وجود دارند که همچنان روش‌های گذشته را برای تولید آثار صنایع دستی به کار می‌گیرند که علاوه بر اهمیت این مسأله، نیاز است با نگرش‌هایی علمی، روش‌ها و به طور کلی نیازها و ضروریات تولید در شرایط امروزی برای آنها تبیین شود. بر این اساس، نیاز است یک شکل از همکاری و تعامل میان صنعتگران سنتی و طراحان پیشرو در این حوزه صورت گیرد. تعاملی که علاوه بر حضور فناوری و تبیین روش‌های تولید کالا با توجه به شرایط و نیازهای امروزی، همچنان نقش صنعتگر صنایع دستی، روش‌های تولید آن، محل تولید، مواد سنتی و غیره در فرآیند تولید اهمیت دارد. بر این اساس، یکی از مهم‌ترین راه‌کارهای توسعه‌ی صنایع دستی بومی همکاری و خلق مشترک دو گروه صنعتگر و طراح است که از آن با عنوان

هم‌آفرینی<sup>۱۸</sup> یاد می‌شود. این رویکرد یک تعامل ملموس و عملیاتی و با اهداف مشخص را نشان می‌دهد که بیشتر از طریق حضور طراحان در عرصه‌ی تولید صنایع دستی بومی و به عنوان تسهیل‌گران امر تولید صورت می‌گیرد.

### هم‌آفرینی

هم‌آفرینی ترجمه‌ی واژه‌ی Co-Creation و خلاصه‌ی اصطلاح Collaborative Creation به معنای آفرینش جمعی و مشترک با استفاده از مهارت‌ها، خلاقیت‌ها، توانایی‌ها و دانش جمعی است. زمانی که قابلیت‌ها و توانایی‌های جدید، به وسیله‌ی افزایش اثرات متقابل، در یک زمینه جمع می‌شوند، هم‌آفرینی شناسایی می‌شود. به عبارتی، هم‌آفرینی هنگامی شکل می‌گیرد که افراد و گروه‌ها در یک تعامل نزدیک، دانش، توانایی، مهارت و منابع خود را به منظور دستیابی و خلق اهداف ارزشمند خود ترکیب کنند. بر این اساس، هم‌آفرینی را می‌توان به عنوان یک نظریه‌ی انباشتگی تلقی کرد (Forsström, 2005: 18-20). یکی از مهم‌ترین الگوهای همکاری مورد استفاده در میان صنعتگران هنرهای سنتی در جهان، مشارکت عملی صنعتگران و طراحان این حوزه است. طراحان این حوزه این توانایی را دارند تا شکاف میان ایده و عمل را پر نموده و عناصر هنری و خلاقانه را با نتایج عملی و قابل تحقق پیوند دهند (UNESCO, 2005: 92-106). از اهداف این رویداد، تشویق همکاری‌های نتیجه‌بخش میان صنعتگران و طراحان، به کار بردن زیبایی‌شناسی آگاهانه در فرآیند طراحی محصولات محلی و ایجاد آگاهی عمومی به صنایع دستی منطقه است. نتایج چنین فعالیت‌هایی نشان می‌دهد که طراحان می‌توانند به جوامع صنعتگران محلی کمک کنند تا روش‌های تولید را توسعه داده، سطح جدیدی از کیفیت زیبایی‌شناسی را ارائه کنند و همچنین با فرصت‌های نوظهور در عرصه‌ی تجارت نیز آشنا شوند (Rana, 2008: 32). مطالعات موردی شرح داده شده در کتاب «مواجهه طراحان با صنعتگران»<sup>۱۹</sup> نیز نشان می‌دهد که طراحان می‌توانند با پیوند زدن سنت با نوگرایی به احیای صنایع دستی بومی کمک نموده و از این طریق به برآورده کردن خواسته‌های جامعه‌ی نوین نیز پاسخ دهند (UNESCO, 2005: 92). بر این اساس، صنعتگران صنایع دستی قادر به تولید فراتر از مقیاس محدود کار در گذشته بوده و طراحان نیز قادر به توجیه اقتصادی تولید محصولات منحصر به فرد بر اساس نیازها، ارزش‌های زیبایی‌شناختی و عملکردی و همچنین پاسخگویی به

است. طراحان باید توان صنایع دستی بومی را به عنوان یک منبع یادگیری بشناسند. علاوه بر این، آنها باید بتوانند ارزش صنایع دستی سنتی را نه تنها به عنوان یک فرآیند یا محصول، بلکه به عنوان روشی از عملکرد فرهنگی که کارکرد مربوط به خود را در جامعه دارد، قدر بدانند (Sennett, 2008: 95). این دیدگاه، با استدلال سندرز و استپرز (۲۰۰۸) مطابقت دارد که از طراحان دعوت می‌شود تا با چالش‌هایی که به تنهایی توسط افراد محلی قابل حل نیستند، مقابله کنند. به باور این پژوهشگران، این الگو در معنای وسیعی به همکاری میان طراحان و افراد آموزش ندیده در حوزه‌ی طراحی (صنعتگران) برای شرکت در فرآیند توسعه‌ی محصول اشاره دارد. این فرآیند به عنوان یک ساز و کار یادگیری عمل نموده و صنعتگران و طراحان را قادر می‌سازد تا دانش و مهارت‌هایی را کسب کنند که مبتنی بر یک تجربه‌ی مشترک است. در این رویکرد، طراحان و متخصصان ترغیب می‌شوند تا از یکدیگر بیاموزند. همکاری این افراد را به گونه‌ای می‌توان به عنوان یک همکاری بین‌رشته‌ای در نظر گرفت که از طریق آن شرکت‌کنندگان می‌توانند مهارت‌ها و دانش‌های دیگری را تجربه نموده و فراگیرند و در نتیجه دانش خود را غنی سازند (Sanders and Stappers, 2008: 5-6). به طور کلی نتایج هم‌آفرینی در صنایع دستی را می‌توان در مؤلفه‌هایی از جمله، تجربه و دانش مشترک، کشف روش‌های جدید تولید، پاسخ به مطلوب‌ها و ممکن‌ها، بارورسازی متقابل و برجسته‌سازی هنر بومی، احیای روش‌های از پیش موجود و تأکید بر هویت مکان مشاهده کرد. هم‌آفرینی طراح و صنعتگر صنایع دستی یک عمل و الگویی از تولید است که به نوبه‌ی خود یک راه‌برد امیدوارکننده برای توسعه‌ی محصول است. ارائه‌ی دانش طراحان در مورد صنایع دستی بومی، یک رویکرد مؤثر برای رهاسازی توانایی خلاق فردی هر دو گروه صنعتگر و طراح است. از این رو، جذب طراحان برای همکاری با صنعتگران نه تنها برای بازسازی صنایع دستی بومی مفید است، بلکه به طراحان نیز اجازه می‌دهد تا تجربیات جدیدی را به دست آورند که می‌تواند افق طراحی آنها را گسترش دهد. بر این اساس، هم‌آفرینی طراحان و صنعتگران یک روش به طور گسترده مؤثر برای احیای صنایع دستی محلی و تحریک توسعه‌ی اقتصادی یک منطقه است. این رویکرد ضمن توسعه و تولید محصولات جدید، سبب ارتقای دانش در این حوزه می‌شود (Bell, & Jayne, 2003: 267; Sunley and elt, 2008).

تقاضاهای در حال تحول بازارهای هدف هستند. (Press & Cusworth, 1997; Shiner, 2012). صنایع دستی برای طراحان، نه تنها به عنوان وسیله‌ای برای طراحی انواع جدید مصنوعات عمل می‌کند، بلکه برای آنها راه‌های جدیدی را برای شناخت جامعه‌ی معاصر از طریق زیبایی‌شناسی صنایع دستی می‌گشاید.

در صنایع دستی، نوآوری بر استفاده‌ی مجدد از دانش موجود و ترکیب آن با روش‌های جدید و ابتکاری متکی است. دانش موجود یک پیشه و هنر - صنعت به شکل ضمنی وجود دارد. آن را باید در مهارت‌های تخصصی یک فرد یا در یک جامعه‌ی محلی که عنصری نهادینه شده است جستجو کرد. دانش ضمنی به این صورت توصیف می‌شود که «ما می‌توانیم بیشتر از آنچه می‌توانیم بگوییم، بدانیم». دانش ضمنی که صنعتگران محلی در اختیار دارند، از طریق تجربه‌ی گسترده‌ی کار با مواد و فرآیندها به دست آمده و می‌توان آن را در درجه‌ی اول از طریق تماس عملی و شخصی میان استاد و شاگرد به دست آورد. روش‌ها و سبک‌های صنایع دستی خاص ممکن است به صورت نسلی در خانواده‌ها یا یک جامعه‌ی نزدیک منتقل شوند (Chuenrudeemol and elt, 2012). طراحان صنایع دستی که هدفشان توسعه‌ی صنایع دستی محلی است، باید مستقیماً خود را در یک زمینه‌ی محلی از طریق تعامل و ایجاد مشارکت با جامعه‌ی صنعتگران درگیر کنند. در این شرایط است که زمینه‌های نوآوری مشترک میان این افراد شکل می‌گیرد. موارد بسیاری از این گونه همکاری وجود دارد که نشان می‌دهد چگونه گروه طراح و صنعتگر از این طریق محصولات جدیدی را توسعه داده‌اند (Murray, 2010: 3-8). روبنس<sup>۲</sup> استدلال می‌کند که طراحان و صنعتگران هر دو می‌توانند از توسعه‌ی صنایع محلی بهره ببرند. به باور او، در یکی از برنامه‌ها که در آن طراحان با صنعتگران محلی بامبو در هند همکاری کردند، نشان می‌دهد که مجموعه‌ی مهارت و دانشی که هر یک از طرفین در فرآیند هم‌آفرینی به دست می‌آورند به حداکثر می‌رسد. در هم‌آفرینی صنعتگران و طراحان، خلاقیت جمعی به عنوان رویکردی برای توسعه‌ی صنایع دستی محلی به کار گرفته می‌شود (Reubens, 2010: 12). سنت<sup>۳</sup> اذعان می‌کند که صنایع دستی «حوزه‌های از مهارت و دانش را ایجاد می‌کند که شاید فراتر از ظرفیت‌های کلامی انسان برای توضیح باشد». صنایع دستی در ذات خود، مستلزم ایجاد مهارت‌ها و دانش با توجه به روش، مواد و جنبه‌های سنتی

## نتیجه

طبق یافته‌ها، زیربنای توسعه‌ی صنایع دستی را باید در مؤلفه‌های آموزش، فناوری، بازارهای نوین و ارتباط مؤثر صنعتگران با طراحان دانست. همانطور که بیان شد توجه به هر یک از موارد، زمینه‌ساز تحول در دیگری است. به بیانی دیگر بروندادهای هر یک از این مؤلفه‌ها، ارتباط مشترکی با سایر زمینه‌ها دارد و اهمیت هر یک در پیوند توجه به سایرین است. آموزش عالی، افراد متخصص را پرورش می‌دهد که به جامعه‌ی صنعتگر صنایع دستی از طریق فرآیند هم‌آفرینی و خلق مشترک کمک کند. همچنین آموزش عالی زمینه‌ساز شناخت نظریه‌ها و نیازهای بازارهای نوین است. بازار نوین خود ایجاد می‌کند فناوری و صنعت در تولید صنایع دستی نقش مؤثری داشته باشد. نتیجه آنکه نقش محوری آموزش عالی، می‌تواند به عنوان یک محرک و لازمه‌ی اساسی در توسعه‌ی صنایع دستی عمل کند. به طور کلی، سامانه‌های نوآور آموزشی با ارائه‌ی روش‌ها و فرآیندهای آموزشی مبتنی بر عمل، نوآوری و خلاقیت نتایج مثبت زیر را به همراه خواهند داشت: ۱- آموزش مدیریت و کسب و کار با هدف بهبود عملکرد و رونق صنایع دستی. ۲- انتقال روش‌ها و راهبردهای نوآورانه‌ی تولید و آشنایی با ابزارها و فناوری‌های جدید، به منظور ایجاد محصولات و خدمات جدید در صنعت هنرهای دستی. ۳- آشنایی با نیازهای فعلی و آینده‌ی بازار ۴- ارتباط با جامعه و صنعت با هدف انتقال و دریافت دانش و فناوری‌های جدید و همچنین توسعه‌ی مشترک برنامه‌ها و تحقیقات. ۵- پیشرفت دانش فنی و تخصصی در کاربرد مواد و ابزارهای مورد استفاده در صنایع دستی. ۶- شناخت سایر علوم مرتبط و مؤثر در صنایع دستی. به نظر می‌رسد تغییر رویکرد در آموزش و پژوهش صنایع دستی و ایجاد زیرساخت مشترک برای تحقیق و آموزش به منظور اتصال و تقویت علوم مختلف دانشگاهی و ایجاد «علوم صنایع دستی» به عنوان یک رویکرد در سامانه‌ی دانشگاهی ضروری است.

طبق یافته‌ها، روش‌های تولید جدید نیز در توسعه‌ی صنایع دستی نقش بسزایی دارند. همگام‌سازی روش‌های تولید صنایع دستی با پیشرفت‌های این عرصه، به نوبه‌ی خود به تحقق اهداف توسعه‌ی صنایع دستی کمک می‌کند. فناوری نوین و صنعت پیشرفته و همچنین مواد اولیه با کیفیت بالا، قابلیت تولید صنایع دستی با استانداردهای بین‌المللی را افزایش می‌دهد، موجب عملکرد مؤثر و مستقل صنایع

دستی و باعث افزایش بهره‌وری و کاهش هدررفت منابع تولید می‌شود. این مؤلفه سبب بهبود مدیریت و کنترل زنجیره‌ی تأمین در مراحل استخراج مواد اولیه، تولید، توزیع و بهبود فرآیندها و به طور کلی عملکرد و سودآوری محصولات صنایع دستی می‌شود. کاهش هزینه‌های نیروی کار، مواد اولیه و انرژی نیز از جمله مزایای فناوری نوین است که سبب افزایش توان رقابتی و سودآوری کسب و کارهای صنعت دستی می‌شود. بهره‌وری از فناوری‌های رسانه‌ای و ارتباطی نیز می‌تواند امکان معرفی محصولات بومی به جوامع و بازارهای جدید را فراهم نموده و همچنین باعث بهبود و تعمیق روابط تجاری و ارتباطی میان صنعت، صاحبان تجارت و مشتریان این حوزه شود. به طور کلی، استفاده از روش‌های تولید نوین و دستگاه‌ها و ابزارهای پیشرفته می‌تواند به نوآوری، بهره‌وری، کیفیت و تنوع در تولید محصولات صنایع دستی کمک و این صنایع را در رقابت با دیگران قویتر کند.

هم‌آفرینی نیز از راهکارهای مؤثر توسعه‌ی صنایع دستی محسوب می‌شود. اهمیت هم‌آفرینی و خلق مشترک در توسعه‌ی صنایع دستی بر مبنای چندین عامل مهم قابل توجه است: ۱- ارتقای کیفیت: هم‌آفرینی می‌تواند باعث بهبود و آسانی در جابه‌جایی دانش و تجربه میان تولیدکنندگان صنایع دستی و عرصه‌های وابسته و مختلف تولید شود. در نتیجه، کیفیت محصولات صنایع دستی نیز بهبود خواهد یافت. ۲- تنوع و نوآوری: با ادغام دانش، تجربه و ایده‌های مختلف، می‌توان محصولات با طرح‌ها و شکل‌های جدید به بازار عرضه و از رقابت با سایر کشورها و توسعه‌ی صادرات بهره‌برداری مثبت کرد. ۳- توسعه‌ی اقتصادی محلی: با جلب استعدادها و دانش فنی در مناطق روستایی و بازاریابی صحیح محصولات تولیدی، قابلیت تأسیس و توسعه‌ی بنگاه‌های صنایع دستی در این مناطق افزایش می‌یابد. در نتیجه، اشتغال‌زایی، افزایش درآمد و کاهش مهاجرت از روستاها به شهرها می‌تواند رخ دهد. ۴- حفظ فرهنگ و هویت: هنگامی که جامعه برخی از مهارت‌های سنتی خود را از دست بدهد، فرهنگ و هویت آن نیز به خطر می‌افتد. هم‌آفرینی، امکان حفظ و ادامه‌ی این مهارت‌ها را فراهم نموده و به جامعه در حفظ هویت فرهنگی خود کمک می‌کند. بر این اساس، فرآیند عملی هم‌آفرینی می‌تواند به عنوان راهکاری در توسعه‌ی پایدار صنایع دستی عمل کند.

پی نوشت

1. Arts and Crafts Movement
2. Bauhaus
3. Nouveau
4. Japanese Folk Craft Movement
5. Budkeev et al
6. symbolic economy
7. hybrid
8. Corian
9. Polyester
10. Resin
11. Riedelbauch
12. Charles and Ray Eames
13. Cross-fertilization
14. ASUS

۱۵. واژه‌ی طراحی در این پژوهش بر مفهوم دیزاین (Design) دلالت دارد. رجوع شود به (قربانی، ۱۳۹۸).

16. Designer-Maker
17. Jongerius
18. Co - creation
19. Designers Meet Artisans
20. Reubens
21. Sennett

کتابنامه

- ابریشمی، حمید؛ بیدرام، رسول؛ ماجد، وحید، و بخشایش، الهام (۱۳۹۸). امکان سنجی توسعه پایدار روستایی از طریق توسعه صنایع خلاق: نمونه موردی صنایع دستی روستاهای منتخب استان اصفهان. روستا و توسعه، ۲۲(۴ (پیاپی ۸۸))، ۵۱-۶۹.
- آجیلی، هادی، و بیگی، مهدی (۱۳۹۲). کالبدشکافی سبک زندگی در جامعه سرمایه‌داری. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۴(۱۳)، ۸۱-۱۱۰.
- انصاری، علی، و کوبال، عطاله (۱۴۰۱). بررسی عوامل مؤثر بر حضور صنایع دستی ایران در نمایشگاه‌های جهانی. شبک، ۸(۶ (پیاپی ۶۹))، ۵۱-۶۰.
- بهمنی، پردیس (۱۳۸۷). بررسی ارتباط طراحی صنعتی و صنایع دستی جهت ارتقای این دو در کشور. همایش راهکارهای توسعه صنایع دستی ایران. دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
- راهکارهای توسعه صنایع دستی و خدمات مورد نیاز. (۱۳۹۶). مصاحبه با تولیدکنندگان صنایع دستی اصفهان.
- فرمان، زینت؛ صادقی پور، احمد، و ارسطو، بهروز (۱۳۹۷). تحلیل صنایع دستی بومی در توسعه گردشگری روستایی مطالعه موردی روستاهای شهرستان دامغان. نشریه پژوهش هنر، ۸(۱۶)، ۵۳-۶۲.
- قربانی، شعبانعلی (۱۳۹۸). شناخت‌شناسی واژه‌ی دیزاین (طراحی) با رویکرد پدیدارشناسانه. نشریه نامه هنرهای تجسمی و کاربردی، دوره ۱۲، شماره ۲۶، ۶۵-۸۴.
- قره، محمد؛ یوری، حسین (۱۳۷۴). نقش و جایگاه صنایع دستی در روند رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، جلوه هنر، ۴، ۳۸-۴۱.
- کاظم‌نژادی، حبیب‌الله، و آویشی، نگار (۱۴۰۰). بررسی عوامل مؤثر بر بهبود وضعیت صنایع دستی ایران. اولین همایش ملی پژوهش‌های کاربردی در هنر (آموزش تا کارآفرینی). <https://civilica.com/65311/>
- کریمی، ساغر؛ پورمند، حسنعلی؛ ذاکر صالحی، غلامرضا، و افهمی، رضا (۱۳۹۹). آموزش مبتنی بر توسعه پایدار در آموزش عالی با تأکید بر صلاحیت‌های پایدار دانش‌آموختگان (مطالعه موردی: دوره کارشناسی صنایع دستی). آموزش عالی ایران، ۱۲(۱)، ۱-۳۱.
- کفیلی، نگار (۱۳۸۷). آسیب‌شناسی هنرهای سنتی ایران و بررسی نیازهای کنونی آن (مطالعه موردی: سفال آذربایجان). همایش راهکارهای توسعه صنایع دستی ایران. دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
- نوروزی قره قشلاق، حسین؛ زکریایی کرمانی، ایمان، و نصر اصفهانی، احمدرضا (۱۴۰۱). شناسایی و ارزیابی شایستگی‌های حرفه‌ای مورد نیاز دانش‌آموختگان دوره کارشناسی صنایع دستی. مبانی نظری هنرهای تجسمی، ۱۷(۱۱۷)، ۱۵۶-۱۷۰.
- نوروزی قره قشلاق، حسین؛ زکریایی کرمانی، ایمان، و نصر اصفهانی، احمدرضا (۱۴۰۰). بررسی تطبیقی شایستگی‌های حرفه‌ای صنایع دستی در چند کشور و تبیین وجوه مغفول آن در برنامه درسی دوره کارشناسی ایران. باغ نظر، ۱۸(۹۸)، ۳۳-۴۴.

- Budkeev, S.M., Kiryushina, J. V., & Shokorova, L.V. (2016). Students-Designers' Professional Competencies Formation by Means of Folk Arts and Crafts. *International Journal of Environmental & Science Education*. June. 10. 3394-3405.
- Burns, J., Gibbon, C., Rosemberg, C., & Yair, K. (2012). *Craft in an Age of Change*. London: UK Crafts Council.
- Campbell, C. (2005). The Craft Consumer: Culture, Craft and Consumption in a Postmodern Society. *Journal of Consumer Culture*. March. 1. 23-42.
- Chuenrudeemol, W., Boonlaor, N., & Kongkanan, A. (2012). Design Process in Retrieving the Local Wisdom and Communal Identity: A Case Study of Bangchaocha's Bamboo Basketry Crafts. *Proceedings of the 6th International Conference of Design Research Society*. Bangkok, Thailand: Chulalongkorn University.
- Creative and Cultural Skills. (2009). The craft blueprint. Retrieved February 15, 2011, from <http://www.ccskills.org.uk/LinkClick.aspx?fileticket=6cMoZSidVOA=&tabid=81>
- Cusumano, M. (1992). Shifting Economies: From Craft Production to Flexible Systems and Software Factories. *Research Policy*. October. 5. 453-480.
- Dillon, P. (2008). Creativity, Wisdom and Trusteeship- Niches of Cultural Production. In A. Craft, H. Gardner, & G. Claxton (Eds.). *Creativity And Wisdom in Education* (pp. 105-118). Thousand Oaks, CA: Corwin Press.
- England, L. (2108). Crafting professionals – Professional Development and Entrepreneurship in UK Crafts Higher Education. *Making Futures*. September. 5. 1-9.
- Forsström, B. (2005). *Value Co-Creation in Industrial Buyer- Seller Partnerships – Creating and Exploiting Interdependencies*. An Empirical Case Study. [http://www.impgroup.org/uploads/dissertations/dissertation\\_19](http://www.impgroup.org/uploads/dissertations/dissertation_19)
- Greenhalgh, P. (2003). *The Persistence of Craft*. London, UK: A & C Black.
- Harris, J. (2012). Digital Practice in Material Hands: How Craft and Computing Practices Are Advancing Digital Aesthetic and Conceptual Methods? *Craft Research*. September. 1. 91-112.
- Kang, L. (2016). Social Design as A Creative Device in Developing Countries: The Case of a Handcraft Pottery Community In Cambodia. *International Journal of Design*. December. 3. 65-74.
- Lindroos, K. & Ketonen, H. (2013). *Requirements of Further Qualification in Handicrafts*. Helsinki: Finnish National Board of Education.
- McGuirk, J. (2011, August 1). *The Art of Craft: The Rise of the Designer-Maker*. Retrieved August 5, 2021, from <http://www.guardian.co.uk/artanddesign/2011/aug/01/rise-designer-maker-craftsman-handmade>.
- McIntyre, M. H. (2010). *Consuming craft: The Contemporary Craft Market in A Changing Economy*. London, UK: Crafts Council.
- Mehta, sh., & Katiyar, V. S. (2007). Design Education for Crafts Communities: a Global - Local Approach. *DEFSA International Design Education Conference*.
- Murray, K. (2010). Outsourcing the Hand: An Analysis of Craft-Design Collaborations Across the Global Divide. *Craft + Design Enquiry*. December. 2. 1-23.
- Niedderer, K. (2009). *Sustainability of craft as a discipline? In Proceedings of the 1st Making Futures Conference* (pp. 165-174). Devon, UK: Plymouth College of Art.
- Nimkulrat, Nithikul. (2012). Hands-on Intellect: Integrating Craft Practice into Design Research. *International Journal of Design*. August. 6. 1-14.
- Press, M., & Cusworth, A. (1997). A New Vision in the Making: Exploring the Value of Craft Education in the Information Age. *The Design Journal*. March. 1. 12-29.
- Rana, E. C. (2008). Sustainable Local Development Through One Town One Product (OTOP): The case of OTOP movement in Mindanao, Philippines. *Journal of OVOP Policy*. 1. 31-38.
- Ratnam, A. (2011). Traditional Occupations in A Modern World: Implications for Career Guidance and Livelihood Planning. *International Journal for Educational and Vocational Guidance*. June. 2. 95-109.
- Reubens, R. (2010a). Bamboo canopy: Creating New Reference-Points for The Craft of Kotwalia Community in India Through Sustainability. *Craft Research*. May. 1. 11-38.
- Sanders, E. B.-N., & Stappers, P.J. (2008). Co-Creation and The New Landscapes of Design. *CoDesign*. March. 1. 5-18.
- Santagata, W. (2002). Cultural Districts, Property Rights and Sustainable Economic Growth. *International Journal of Urban and Regional Research*. March. 1. 9-23.
- Sennett, R. (2008). *The Craftsman*. London, New Haven, CT: Yale University Press.
- Shiner, L. (2012). "Blurred boundaries"? Rethinking The Concept of Craft and Its Relation to Art and Design. *Philosophy Compass*. April. 4. 230-244.
- Sunley, P., Pinch, S., Reimer, S., & Macmillen, J. (2008). Innovation In a Creative Production System: The Case of Design. *Journal of Economic Geography*. September. 5. 675-698.
- UNESCO. (2005). *Designers Meet Artisans*. New Dheli, India: Craft Revival Trust.
- Woolley, M. (2011). Beyond Control: Rethinking Industry and Craft Dynamics. *Craft Research*. May. 1. 11-36.
- Yair, K., Press, M., & Tomes A. (2001). Crafting Competitive Advantage: Crafts Knowledge as A Strategic Resource. *Design*

**Studies.** July. 4. 377-394.

- Zheng, C., Nitsche, M. (2017). **Combining Practices in Craft and Design. Proceedings of the Eleventh International Conference on Tangible, Embedded, and Embodied Interaction.** 331-341. <https://doi.org/10.1145/3024969.3024973>.

**URLs:**

- URL 1: <https://hapticmedia.com/blog/new-tools-of-artcraftem/> (Access Date: 17/03/2023).
- URL 2: <https://www.eamesoffice.com/about/design/> (Access Date: 03/04/2023).
- URL 3: <https://www.droog.com/projects/family-vase/> (Access Date: 20/03/2023).
- URL 4: <https://www.droog.com/projects/layer-plates/> (Access Date: 17/03/2023).
- URL 5: <http://www.jongeriustlab.com/work/wrapped-stool> (Access Date: 25/03/2023).
- URL 6: <https://news.softpedia.com/news/ASUS-039-Bamboo-Laptop-Gets-Priced-98917.shtml> (Access Date: 11/03/2023).
- URL 7: <https://gilberriedelbauch.com/folded-forms-wave-1> (Access Date: 05/10/2023).
- URL 8: <https://jongeriustlab.com/work/soft-urn> (Access Date: 05/10/2023).
- URL 9: <https://www.pamono.com/time-life-walnut-stool-by-charles-and-ray-eames-for-herman-miller> (Access Date: 05/10/2023).

## Identifying the fields and Influential Factors in the Sustainable Development of Handicrafts

### Abstract:

Handicrafts indicate the relationship between humans and their environment and manifest the identity, culture, skills, and attitudes of individuals in a region during different periods. A historical look at handicrafts in various eras reveals that this component has been adaptable to the conditions and requirements of each era. In other words, handicrafts, by being present in people's lives, have addressed the essential needs of societies and preserved and adapted themselves accordingly. This art industry, in the past, primarily aimed to fulfill needs and later became a means of income generation by utilizing raw materials from the surrounding environment. However, it appears that in current circumstances, the nature of handicrafts has transformed, and various factors influence its presence and continuity. Nowadays, in the modern world, societies consider handicrafts not only as economically influential but also as a creative cultural phenomenon, a social factor, and an important environmental component. Additionally, handicrafts are recognized as a significant part of indigenous culture and identity.

The mentioned factors indicate that handicrafts have high importance from various aspects and now require attention and focus for their continuity and development. In other words, in the current conditions, handicrafts need certain measures, the formulation of principles, and standards to adapt to the current cultural, social, economic, and environmental conditions.

According to the mentioned evidence, multiple factors play a role in the sustainable development of handicrafts. It seems necessary to identify and analyze the backgrounds and influential factors in the sustainable development and operation of handicrafts in current conditions through in-depth research. Therefore, this research aims to identify and analyze the factors and backgrounds emphasized in various sources and studies. In this regard, the research question is: What are the influential factors in the sustainable development of handicrafts?

This study is a qualitative research and, from an objective perspective, falls under applied developmental research. It has utilized qualitative content analysis to identify the key variables and influential factors in the sustainable development of handicrafts. In other words, this research strives to extract the fundamental concepts and topics related to the sustainable development of handicrafts from credible scientific data. To achieve this, in the first step, reliable research sources in this field were collected from internet databases using relevant keywords. Then, with the aim of categorization and thematic analysis, qualitative content analysis of the data was conducted through stages including data management and organization, refinement and concept extraction, and thematic classification. Finally, relying on logical reasoning, each of the topics

### Document Type:

Original/Research/Regular Article

**Receive Date:** 12 September 2023

**Accept Date:** 10 December 2023

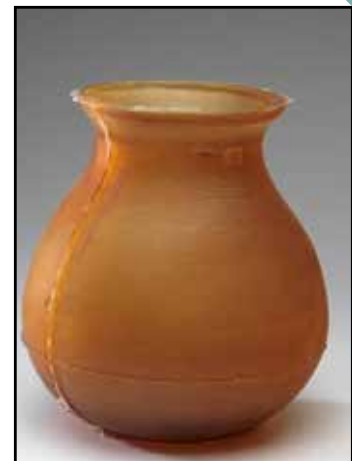
### Hossein Norouzi Ghara Gheslagh

Instructor of Handicrafts Education Department, Faculty of Arts, Arak University, Arak, Iran.

**Email:** H-norouzi@araku.ac.ir

### DOI:

10.22051/jtpva.2024.44962.1540





was scrutinized, explained, and comprehended. In the categorization and analysis of the topics, the concepts that had the highest applicability and thematic recurrence in most studies were given attention. Furthermore, in the thematic classification, efforts were made to maximize the similarity and resemblance of each issue, and ultimately a comprehensive theme was obtained by combining two or more concepts in that area. Based on this, the findings of the research were categorized and analyzed in topics such as “higher education,” “emerging markets,” “production methods,” “handicraft capture and design,” and “co-creation.”

According to findings, the foundation of handicraft industry development should be considered in the components of education, technology, emerging markets, and effective communication between industry owners and designers. As mentioned, attention to each of these factors forms the basis for transformation in others. In other words, the outcomes and results of each of these components have a common connection with other fields, and the importance of each lies in the attention it receives from others. Higher education nurtures specialized individuals who contribute to the artisan community through co-creation and collaborative efforts. Additionally, higher education provides a foundation for understanding theories and the needs of emerging markets. The emerging market necessitates the effective role of technology and industry in handicraft production. Consequently, the central role of higher education can act as a catalyst and essential requirement for the development of handicrafts. In general, innovative educational systems, by providing action-based teaching methods and processes, innovation, and creativity, will yield the following positive results: 1- Providing management and business training to enhance the performance and prosperity of handicraft industries. 2- Transferring innovative production methods and strategies, acquainting with new tools and technologies to create new products and services in the craft industry. 3- Familiarity with current and future market needs. 4- Establishing connections with society and industry to exchange and acquire new knowledge and technologies, as well as developing collaborative projects and research. 5- Enhancing technical knowledge and expertise in the application of materials and tools used in handicrafts. 6- Understanding other related sciences that have an impact on the handicraft industry.

It seems that a change in the approach to education and research in handicrafts and the establishment of a common infrastructure for research and education are necessary to connect and strengthen various academic disciplines and create “Craft Sciences” as an approach in the educational system.

According to findings, new technologies and production methods also play a significant role in the development of handicrafts. Synchronizing handicraft production methods with advancements in this field in itself contributes to achieving the goals of handicraft development. Innovative technology, advanced industry, and high-quality raw materials increase the capability of producing handicrafts according to international standards, leading to effective and independent performance of handicrafts and improving productivity while reducing resource waste. This component improves supply chain management and control in stages such as raw material extraction, production, distribution, and overall performance and profitability of handicraft products. Reduction in labor, raw material, and energy costs are among the benefits of new technology, which increases the competitiveness and profitability of handicraft businesses. Utilizing media and communication technologies can facilitate the introduction of indigenous products to new communities and markets and improve and deepen business and communication relationships between the industry, business owners, and customers in this field. In general, the use of innovative production methods, advanced machinery, and tools can contribute to innovation, efficiency, quality, and diversity in the production of handicraft products, making these industries stronger in competition with others.

Co-creation is also considered an effective solution for the development of handicrafts. The importance of co-creation and collaborative efforts in handicraft development is justified based on several key factors: 1- Improvement of quality: Co-creation can lead to improvement and facilitation in the transfer of knowledge and experience between handicraft producers and various related fields. As a result, the quality of handicraft products will also improve. 2- Diversity and innovation: By integrating different knowledge, experiences, and ideas, new products with new designs and forms can be introduced to the market, positively competing with other countries and contributing to export development. 3- Local economic development: Attracting talents and technical knowledge in rural areas and proper marketing of the produced goods increases the potential for establishing and developing handicraft enterprises in these regions. Consequently, employment, income generation, and a reduction in rural-to-urban migration can be improved. 4- Preservation of culture and identity: When a society loses some of its traditional skills, its culture and identity are also at risk. Co-creation provides an opportunity to preserve and continue these skills and helps the community maintain its cultural identity. Based on this, the practical process of co-creation can act as a solution for the sustainable development of handicrafts.

**Keywords:** Handicrafts, Sustainable Development, Economy, Culture, Technology.

## References:

- Abrishami, H., Bidram, R., Majed, V., & Bakhshayesh, E. (2020). The Feasibility Study of Sustainable Rural Development through the Development of Creative Industries: A Case Study of Handicrafts in Selected Villages of Isfahan Province. *Village and Development*. Winter. 4. 51-69. doi: 10.30490/rvt.2020.289507.1069
- Ajili, H., & Baigi, M. (2013). Autopsy Way of Life in Capitalist Society. *Counseling Culture and Psychotherapy*. March. 13. 81-110. doi: 10.22054/qccpc.2013.6086
- Ansari, A., & Kupal, A. (2021). An Investigation of Factors Influencing the Presence of Iranian Handicraft Industries in International Exhibitions. *Shabak*. March. 69. 51-60.
- Bell, D., & Jayne, M. (2003). Assessing The Role of Design in Local and Regional Economies. *International Journal of Cultural Policy*. November. 3. 265-284.
- Budkeev, S.M., Kiryushina, J. V., & Shokorova, L.V. (2016). Students-Designers' Professional Competencies Formation by Means of Folk Arts and Crafts. *International Journal of Environmental & Science Education*. June. 10. 3394-3405.
- Burns, J., Gibbon, C., Rosemberg, C., & Yair, K. (2012). *Craft in an Age of Change*. London: UK Crafts Council.
- Campbell, C. (2005). The Craft Consumer: Culture, Craft and Consumption in a Postmodern Society. *Journal of Consumer Culture*. March. 1. 23-42.
- Chuenrudeemol, W., Boonlaor, N., & Kongkanan, A. (2012). Design Process in Retrieving the Local Wisdom and Communal Identity: A Case Study of Bangchaocha's Bamboo Basketry Crafts. *Proceedings of the 6th International Conference of Design Research Society*. Bangkok, Thailand: Chulalongkorn University.
- Creative and Cultural Skills. (2009). *The craft blueprint*. Retrieved February 15, 2011, from <http://www.ccskills.org.uk/LinkClick.aspx?fileticket=6cMoZSidVOA=&tabid=81>
- Cusumano, M. (1992). Shifting Economies: From Craft Production to Flexible Systems and Software Factories. *Research Policy*. October. 5. 453-480.
- Dillon, P. (2008). Creativity, Wisdom and Trusteeship- Niches of Cultural Production. In A. Craft, H. Gardner, & G. Claxton (Eds.). *Creativity And Wisdom in Education* (pp. 105-118). Thousand Oaks, CA: Corwin Press.
- England, L. (2108). Crafting professionals – Professional Development and Entrepreneurship in UK Crafts Higher Education. *Making Futures*. September. 5. 1-9.
- Farnam, Z., Sadeghi por, A., Arasto, B. (2019). Analysing Native Handicrafts in Rural Tourism Development Case Study of Villages in Damghan. *SciJPH*. March. 6. 53-62  
URL: <http://ph.aui.ac.ir/article-1-631-fa.html>
- Forsström, B. (2005). *Value Co-Creation in Industrial Buyer-Seller Partnerships – Creating and Exploiting Interdependencies*. An Empirical Case Study. [http://www.impgroup.org/uploads/dissertations/dissertation\\_19](http://www.impgroup.org/uploads/dissertations/dissertation_19)
- Greenhalgh, P. (2003). *The Persistence of Craft*. London, UK: A & C Black.
- Harris, J. (2012). Digital Practice in Material Hands: How Craft and Computing Practices Are Advancing Digital Aesthetic and Conceptual Methods? *Craft Research*. September. 1. 91-112.
- Kang, L. (2016). Social Design as A Creative Device in Developing Countries: The Case of a Handcraft Pottery Community In Cambodia. *International Journal of Design*. December. 3. 65-74.
- Karimi, S, Pourmand H, Zakersalehi G, Afhami R. (2020). Sustainable Development-Based Education in Higher Education with Emphasis on Sustainability Competencies of the Graduates (Case Study: Bachelor course of Handicrafts). *IHEJ*. January. 1. 1-31  
URL: <http://ihej.ir/article-1-1352-fa.html>.
- Kazemnejadi, H., & Avayeshi, N. (2021). Examining the Factors Affecting the Improvement of the Status of Iranian Handicraft Industries. *First National Conference on Applied Research in Art (From Education to Entrepreneurship)*. <https://civilica.com/l/65311/>.
- Khoshfar, G. (2018). Handicrafts and Their Role in society on the Occasion of the World Handicrafts Day on June 10th. *Cooperation and Agriculture Journal*. November. 105, 32-37.
- Lindroos, K. & Ketonen, H. (2013). *Requirements of Further Qualification in Handicrafts*. Helsinki: Finnish National Board of Education.
- Manufacturers of Handicrafts (2017). *Craft Development Strategies and Required Services*. Interview: Isfahan.
- McGuirk, J. (2011, August 1). *The Art of Craft: The Rise of the Designer-Maker*. Retrieved August 5, 2021, from <http://www.guardian.co.uk/artanddesign/2011/aug/01/rise-designer-maker-craftsman-handmade>.
- McIntyre, M. H. (2010). *Consuming craft: The Contemporary Craft Market in A Changing Economy*. London, UK: Crafts Council.
- Mehta, sh., & Katiyar, V. S. (2007). Design Education for Crafts Communities: a Global - Local Approach. *DEFSA International Design Education Conference*.
- Murray, K. (2010). Outsourcing the Hand: An Analysis of Craft-Design Collaborations Across the Global Divide. *Craft + Design Enquiry*. December. 2. 1-23.
- Niedderer, K. (2009). *Sustainability of craft as a discipline? In Proceedings of the 1st Making Futures Conference* (pp. 165-174). Devon, UK: Plymouth College of Art.
- Nimkulrat, Nithikul. (2012). Hands-on Intellect: Integrating Craft Practice into Design Research. *International Journal of Design*. August. 6. 1-14.
- Norouzi Gharagheshlagh, H., Zakariaee Kermani, I., & Nasr Esfahani, A. (2021). A Comparative Study of Professional Com-

- petencies of HandiCrafts in a Few Countries and Explaining Its Neglected Aspects in the Iranian Undergraduate Curriculum. *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*. Spring & Summer. 98. 33-44. doi: 10.22034/bagh.2021.239586.4605
- Norouzi, H., Zakariaee kermani, I., & nasr esfahani, A. (2022). Identifying and Evaluating the Required Professional Competencies for Bachelor Grade Graduates in Handicrafts. *Theoretical Principles of Visual Arts*. June. 1. 156-170. doi: 10.22051/jtpva.2022.38379.1357
  - Press, M., & Cusworth, A. (1997). A New Vision in the Making: Exploring the Value of Craft Education in the Information Age. *The Design Journal*. March. 1. 12-29.
  - Rana, E. C. (2008). Sustainable Local Development Through One Town One Product (OTOP): The case of OTOP movement in Mindanao, Philippines. *Journal of OVOP Policy*. 1. 31-38.
  - Ratnam, A. (2011). Traditional Occupations in A Modern World: Implications for Career Guidance and Livelihood Planning. *International Journal for Educational and Vocational Guidance*. June. 2. 95-109.
  - Reubens, R. (2010a). Bamboo canopy: Creating New Reference-Points for The Craft of Kotwalia Community in India Through Sustainability. *Craft Research*. May. 1. 11-38.
  - Sanders, E. B.-N., & Stappers, P.J. (2008). Co-Creation and The New Landscapes of Design. *CoDesign*. March. 1. 5-18.
  - Santagata, W. (2002). Cultural Districts, Property Rights and Sustainable Economic Growth. *International Journal of Urban and Regional Research*. March. 1. 9-23.
  - Sennett, R. (2008). *The Craftsman*. London, New Haven, CT: Yale University Press.
  - Shariati, S., & Shafiei, Z. (2018). "Rebirth": Qualitative Study of the Emerging Phenomenon of Modern Handicrafts in Networks Era. *Sociology of Art and Literature*. September. 1. 189-229. doi: 10.22059/jsal.2019.257568.665619
  - Shiner, L. (2012). "Blurred Boundaries"? Rethinking The Concept of Craft and Its Relation to Art and Design. *Philosophy Compass*. April. 4. 230-244.
  - Sunley, P., Pinch, S., Reimer, S., & Macmillen, J. (2008). *Innovation In a Creative Production System: The Case of Design*. Journal of Economic Geography. September. 5. 675-698.
  - UNESCO. (2005). *Designers Meet Artisans*. New Dheli, India: Craft Revival Trust.
  - Woolley, M. (2011). Beyond Control: Rethinking Industry and Craft Dynamics. *Craft Research*. May. 1. 11-36.
  - Yair, K., Press, M., & Tomes A. (2001). Crafting Competitive Advantage: Crafts Knowledge as A Strategic Resource. *Design Studies*. July. 4. 377-394.
  - Zheng, C., Nitsche, M. (2017). *Combining Practices in Craft and Design. Proceedings of the Eleventh International Conference on Tangible, Embedded, and Embodied Interaction*. 331-341. <https://doi.org/10.1145/3024969.3024973>.